

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Scientific

علمی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۲۶ نومبر ۲۰۱۱

## انقلاب سوسیالیستی

انقلاب سوسیالیستی یا (انقلاب پرولتاریائی) انقلابی است که کلیه زحمتکشان تحت رهبری طبقه کارگر (از طریق حزب کمونیست) و بر اساس اتحاد میان کارگران و دهقانان تهیدست برای سرنگون ساختن دیکتاتوری بورژوازی و سیستم سرمایه داری و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا و سیستم سوسیالیستی انجام می دهند. هدف نهائی انقلاب سوسیالیستی نابودی هر نوع سیستم استثمار و از میان بردن کلیه طبقات است.

تیوری انقلاب پرولتاریائی توسط مارکس و انگلس در قرن ۱۹ تدوین گردید و سپس توسط لنین، استالین و مائوتسه دون با جمع بندی از تجارب انقلابی روسیه و چین، تجربه ساختمان سوسیالیسم در این کشورها و تجربه تاریخی جنبش کارگری و کمونیستی بین المللی در عصر امپریالیسم تکامل یافت. خطوط کلی و اساسی این تیوری به شرح زیراند:

۱- تضاد های گوناگون و مبارزات طبقاتی در عصر سرمایه داری و امپریالیسم به طور اجتناب ناپذیر به انهدام سیستم استثمار انسان از انسان، حاکمیت دیکتاتوری پرولتاریا و برقراری سوسیالیسم و کمونیسم منجر می گردد.

۲- این انهدام هنگامی صورت می پذیرد که پرولتاریا، در جریان رشد آگاهی و مبارزات طبقاتی خود و در جریان تشدید بیش از پیش تضاد های درونی جامعه، به وسیله حزب پیشقراول طبقاتی خود (حزب کمونیست) و با اتخاذ مشی صحیح پرولتری، دستگاه دولتی بورژوازی را قهراً (با توسل به انقلاب مسلحانه) متلاشی نماید و دیکتاتوری پرولتاریا را برقرار سازد.

۳- در دوران امپریالیسم و در کشور های وابسته به آن، پیروزی بر امپریالیسم و ارتجاع و انجام انقلاب دموکراتیک نوین و گذار به سوسیالیسم، تنها تحت رهبری پرولتاریا و حزب کمونیست میسر می باشد.

۴- در سراسر دوران گذار سوسیالیسم و کمونیسم، که یک دوران طولانی را در بر می گیرد، پرولتاریا دیکتاتوری انقلابی خود را بر حول مبارزه طبقاتی و بر اساس ادامه انقلاب تحت دیکتاتوری پرولتاریا تا محو کامل طبقات و استقرار جامعه کمونیستی جهانی اعمال می نماید.

تضاد اساسی شیوه تولید سرمایه داری یعنی تضاد میان خصلت اجتماعی تولید و خصلت خصوصی مالکیت بر وسایل تولید که در سطح اجتماعی به شکل تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی در سطح تولید به شکل تضاد میان تشکیلات سازمان یافته تولید در سطح کارخانه و هرج و مرج تولید در سطح جامعه بروز می کند، آن نیروی محرکی است که جامعه را به پیش می راند و سر انجام منجر به نشستن جامعه نوین (سوسیالیستی) به جای جامعه کهن (سرمایه داری) می گردد. تضاد های فوق الذکر که تضاد های ذاتی شیوه تولید و ساخت اجتماعی سرمایه داری را تشکیل می دهند موجب بحران های عمومی و عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می شوند. انقلاب پرولتاریائی نتیجه اجتناب ناپذیر تضاد اساسی جامعه سرمایه داری و مبارزه طبقاتی است که در بستر این تضاد به وجود آمده و رشد می کند و به دگرگونی بنیادی سیستم سرمایه داری و ایجاد نظام نوین سوسیالیستی و کمونیستی می انجامد: "شیوه تولید سرمایه داری با تبدیل بیش از پیش اکثریت مردم به پرولتاریا، به قیمت تلاشی خویش، نیروئی را به وجود می آورد که ناگزیر به انجام این دگرگونی است. این شیوه تولید با تبدیل هر چه بیشتر ابزار اجتماعی شده و بزرگ به مالکیت دولتی، خود راه انجام این دگرگونی را نشان می دهد. پرولتاریا نیروی دولتی را در دست می گیرد و ابزار تولید را در ابتداً به مالکیت دولت در می آورد."<sup>1</sup>

"با کاهش پیوسته تعداد سرمایه داران کلان، یعنی آنهایی که تمام فواید این روند تحولی را غصب کرده و به انحصار خود در می آورند. حجم فقر، فشار، رقیت، فساد و استثمار افزایش می یابد. ولی در عین حال عصیان طبقه کارگر پیوسته شدیدتر می گردد و مکانیسم پروسه تولید سرمایه داری خود آنها را به متحد شدن و سازمان یافتن می کشاند. انحصار سرمایه برای شیوه تولیدی که خود با آن و تحت تأثیر آن شکوفندگی یافته است، به صورت مانعی در می آید. تمرکز وسایل تولید و اجتماعی گشتن کار به نقطه ای می رسد که دیگر با پوسته سرمایه داری خود سازگار نیست. این پوسته می ترکد. ساعت مرگ مالکیت خصوصی سرمایه داری در می رسد. خلع ید کنندگان خلع ید می شوند."<sup>2</sup>

بدین ترتیب، تضاد اساسی سیستم سرمایه داری، خصلت اجتماعی تولید و خصلت خصوصی مالکیت وسایل تولید، با انقلاب سوسیالیستی و تبدیل مالکیت بزرگ خصوصی سرمایه داری به مالکیت دولتی (دولت سوسیالیستی) حل می شوند و به تدریج در سراسر دوران سوسیالیسم این مالکیت سوسیالیستی به کلیه عرصه های حیات جامعه بسط می یابد و تا محو هر گونه مالکیت خصوصی در مقیاس تمامی جامعه و سراسر جهان ادامه می یابد. بنابراین، انقلاب پرولتری (سوسیالیستی) ماشین دولتی بورژوازی را خرد کرده، دیکتاتوری پرولتاریا را مستقر میسازد و بلافاصله ابزار تولید را که تا آن زمان در مالکیت خصوصی بورژوائی بودند به مالکیت سوسیالیستی عمومی در می آورد و در راه آزاد کردن و تکامل نیرو های مؤلده، نابودی کامل مالکیت خصوصی، حذف طبقات بهره کش و نابودی کامل طبقات و مبارزه طبقاتی و سر انجام استقرار کمونیسم گام بر می دارد.

انقلاب پرولتاریائی عمیق ترین، وسیع ترین و قاطعانه ترین انقلاب تاریخ است. تفاوت های اساسی آن با انقلاب بورژوائی قرار زیر اند:

انقلاب بورژوائی زمانی آغاز می شود که اشکال اقتصاد سرمایه داری قبل از آن ایجاد شده اند، در حالی که انقلاب پرولتاریائی وقتی آغاز می شود که هنوز اشکال حاضر و آماده ای از اقتصاد سوسیالیستی وجود ندارد. انقلاب بورژوائی عموماً با تصرف قدرت خاتمه می یابد. در حالی که تصرف قدرت به وسیله پرولتاریا فقط آغاز انقلاب

<sup>1</sup>- انگلس: "تکامل سوسیالیسم از تخیل به علم"  
<sup>2</sup>- مارکس: "سرمایه" کتاب اول

است. در اثر انقلاب بورژوائی یک طبقه استثمارگر خود را با یک طبقه استثمارگر دیگر جایگزین می کند تا قدرت دولتی را به چنگ آورد. این انقلاب ماشین دولتی را خرد نمی کند بلکه آن را برای خدمت به بورژوازی تغییر می دهد، در حالی که انقلاب پرولتاریائی سرنگون ساختن حاکمیت کلیه طبقات استثمارگر است و ماشین دولتی بورژوازی را خرد می کند. بورژوازی پس از تصرف قدرت ضرورتاً به صورت سرکوبگر و استثمار کننده توده های وسیع رنجبر و تحت ستم در می آید، درحالی که انقلاب پرولتری می تواند و باید به توده های وسیع زحمتکش امکان دهد تا اتحاد خود را با پرولتاریا ایجاد و مستحکم نمایند.

همانطور که گفتیم، در انقلاب پرولتاریائی تصرف قدرت سیاسی فقط گام نخست انقلاب است. تجربه تاریخی انقلابات سوسیالیستی نشان می دهد که مرحله سوسیالیسم یک دوران طولانی تاریخی را در بر می گیرد که در آن طبقات و مبارزات طبقاتی موجود بوده و مبارزه میان دو مشی سوسیالیستی و سرمایه داری و بنابراین خطر احیای سرمایه داری در جامعه نیز موجود است. بر این اساس پرولتاریا باید انقلاب را در کلیه جبهه ها (اقتصادی، سیاسی، فنی، ایدئولوژیک) با پیگری ادامه داده و تا بر قراری کمونیسم در مقیاس جهانی از هشیاری خود در برابر خطر احیای سرمایه داری نگاهد.

انقلابات سوسیالیستی همواره دارای خصلت انترناسیونالیستی بوده و متقابلاً از هم پشتیبانی می کنند. پیروزی نهائی یک کشور سوسیالیستی مسلماً به همت و مبارزه پرولتاریا و توده های خلقی هر کشوری بستگی دارد، اما در عین حال پیروزی انقلاب جهانی و نابودی سیستم استثمار انسان از انسان در تمام سطح کره ارض را نیز می طلبد تا از این طریق کلیه بشریت آزادی خود را به چنگ آورد.

\*\*\*\*\*

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم